

"حافظیه و شعر گدار"

به بهانه ی انتشار کتاب "معماری آندره گدار"

ویکتور دانیل، گلنار تاجدار

مشاهده وجوه مشترکی، آشکار و نهان، در آرامگاه و شعر حافظ بهانه آغاز کنکاشی در معماری حافظیه شد. در قدم های اولیه مشابهت هایی بین عناصر و زبان معماری حافظیه با شخصیت ها و اسطوره های شعر حافظ درک شد. در ادامه به نظر رسید که آرامگاه برگردانی معمارانه از برخی مفاهیم و مضامین شعر حافظ باشد. (آگاهانه یا ناخودآگاهانه و شاید هر دو).

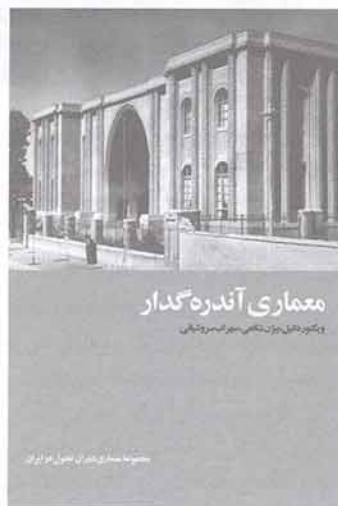
بامطالعه متون تاریخی معلوم شد که این بنا توسط "آندره گدار" معمار و باستان شناس فرانسوی وزارت معارف و در دوره وزارت "علی اصغر حکمت" و زیر نظر و احتمالاً همراهی او طراحی و ساخته شده است. در ادامه این بررسی، از مقایسه "شعر و شعر حافظ" با "معماری و معماری حافظیه" ارتباط این دو بیشتر و بیشتر عیان شد و دامنه آن گسترش یافت. "به تأویل یا به تفسیر و طبیعتاً هر دو". سپس طرح آرامگاه تجسمی از شعر حافظ شد. هم شعر معماری شد و هم معماری شعر و این ممکن نبود مگر حافظ، حافظ باشد و گدار و حکمت با "اندیشه و زبان" او مانوس شده باشند. غزلهای حافظ برای ما و جهانیان بود و غزل گدار برای حافظ و ما. به این ترتیب بنای حافظیه شعر ماندگار گدار شد. "فاخر یا مردم وار و البته هر دو".

این مشاهدات انگیزه ساز تدوین رساله ای درباره ی رابطه ی "طرح معماری حافظیه" با "شعر و شعر حافظ" به نام "حافظیه و شعر گدار" شد. با این نیت که با مصداقی عینی ارتباط بین شعر و معماری، تفسیر و تبیین شود.

چنین به نظر می رسد که هنرها اعم از معماری، هنرهای تجسمی، شعر و ادبیات، موسیقی و ... در منشان الهام مشابهت-های فراوانی دارند و در روند تبلورشان تا ارتباط با مخاطب از روش ها و ابزار مشابهی استفاده می کنند. بحث های گسترده ای در این زمینه مطرح شده و می شود. ارجاع به آن ها بسیار آموزنده است. متداول است که به عنوان مدخل و مقدمه ارائه آراء و نظرات در این باره در آغاز سخن آورده شود. ولی تجربه ی رساله ی "حافظیه و شعر گدار" به طور موقت می خواهد آن ها را یک بار نادیده بگیرد و از طریق مراجعه به مصداقی عینی یعنی "معماری بنا" رابطه ی شعر و معماری را تحلیل و تاویل کند.

همان طور که شعر حافظ اسرار نهانی دارد تولد حافظیه ای که امروز می بینیم نیز خالی از رمز و راز نیست.

علی اصغر حکمت شیرازی وزیر معارف سال های ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۷ ش، شخصیتی که به همت او حافظیه امروز ساخته شد، مقارن با



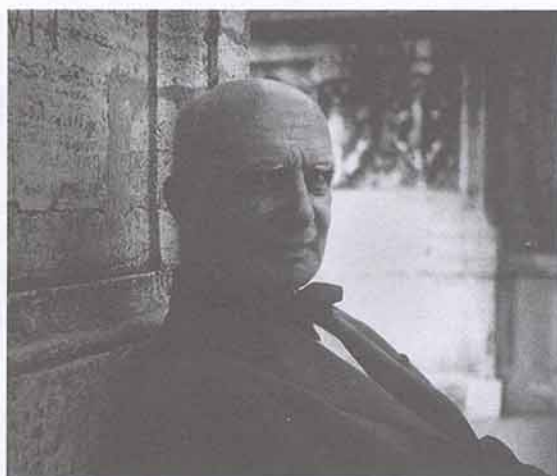
کتاب معماری آندره گدار چهارمین اثر از مجموعه تألیفات "گروه تحقیق معماری دوران تحول" است که فعالیت خود را از سال ۱۳۶۲ آغاز کرده است. این کتاب محصول بیش از یک دهه فعالیت این گروه است که چهار بخش دارد. سه بخش اولیه کتاب شامل: زندگی نامه، زمینه ها و معرفی بناهاست. بخش چهارم به شیوه ای تحلیلی به معماری آندره گدار می پردازد. آرامگاه حافظ یکی از بناهایی است که در این کتاب معرفی شده است. کتاب "معماری آندره گدار" به کوشش سه معمار پژوهشگر (ویکتور دانیل، بیژن شافعی، سهراب سروشیانی) تألیف و به تازگی انتشار یافته است.

از ویژگی های طراحی آرامگاه حافظ غلبه‌ی فضا بر جسم ساختمان است، به نحوی که وقتی گذار دستور تهیه بیست و چهارستون دیگر را علاوه بر چهارستون دوره‌ی زنده صادر کرد، تقریباً قسمت عمده‌ای از عملیات اجرایی ساختمان را سفارش داده بود. هشت ستون زیرگنبد و شانزده ستون همراه با چهارستون قدیمی که در محل قبلی ایفا شده بودند در ایوان به کار رفتند.

گذار سقف گنبد را شبیه به کلاه درویشان که وارستگی آن‌ها را حافظ بارها ستوده است ساخت. او به تاسی از شعر حافظ، انتخاب فلز مس را، برای پوشش سقف به جای فلزات قیمتی، زبینه یافت تا باگذشت زمان زنگار بگیرد و همانند کلاه نشانی از برگرفتن دل از تعلقات دنیوی باشد. زیر این کلاه درویشی، گنبدی از مینا طراحی کرد. گنبد بر سر هشت ستون سنگی، به نشانه‌ی قرن هشتم، یعنی زمان حیات حافظ، قرار دارد از تمثیل عددی بار دیگر در معماری ایوان با تکرار بیست ستون استفاده شده است که شاید اشاره‌ای به قرن بیستم و زمان تجدید حیات حافظیه دارد.

استفاده از سنگ مزار قدیمی حافظ و چهارستون از بنای دوره‌ی کریم خانی و به کارگیری تزئینات و عناصری چون ستون و سرستون های معماری زنده در طرح جدید آرامگاه حافظ نشان از علاقه و توجه معمار به معماری و دوران حکومت زنده دارد که آن را می توان نوعی ادای دین و در عین حال به کارگیری تضمین ادیبانه، در بیانی معمارانه دانست، زیرا کریم خان در دوران حکومتش به آرامگاه حافظ توجه خاص داشت و بنایی مناسب برای آن فراهم کرد. این ویژگی در کاربرد آب نماها و فواره های دوره‌ی کریم خانی که بر اثر احداث مسیر خیابان جدید شهر شیراز به دست آمده بود و عیناً به آرامگاه حافظ منتقل و در آنجا نصب شد تکرار می شود. همچنین در این مورد می توان به ابقاء مقابر معتبر اشاره کرد.

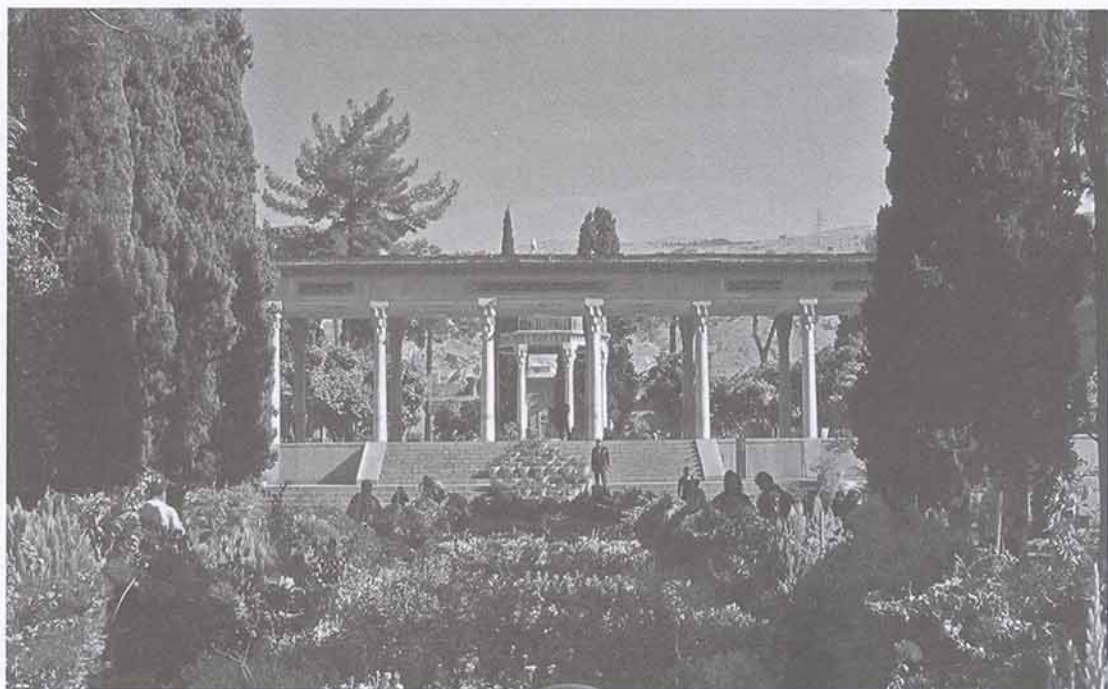
باغ آرامگاه حافظیه در عین حال که برای تعدادی از مراجعه کنندگان گردشگاهی مفرح است، برای عده ای دیگر مقامی زیارتگاهی دارد. فضای سیال آن به مدد تأکید بر طراحی فضا، برخورداری از مفاهیم معنوی و استفاده از مضامین و معانی و



ساخت آرامگاه فردوسی در توس و برگزاری هزاره‌ی شاعر حماسه سرای ایران و تجلیل از شاهنامه در سال ۱۳۱۳ ش که جنب و جوشی خاص در تمامی سرزمین ایران نسبت به آثار بزرگان و تجلیل از اساتید شعر و ادب ظهور کرده بود؛ از خرابی آرامگاه حافظ محزون و غمین بود و آرزو کرد که بتوان بنای مجللی درخور و شأن و منزلت خواجه شیراز بر سر مزار او ساخت. اما نداشتن بودجه کافی مانع از تحقق این آرزو بود. تفأل حکمت از دیوان حافظ با نیت رفع مشکل، او را امیدوار کرد.

چندی نگذشت که به‌طور معجزه آسایی امکانات مالی برای شروع به کار تأمین شد و آندره گذار که در آن زمان مسئول اداره عتیقات در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و مسئول تهیه طرح های معارفی (فرهنگی) این اداره بود، آرامگاه حافظ را در سال ۱۳۱۵ ش طراحی کرد.

طرح آرامگاه حافظ که از واژگان معماری دوره‌ی زنده از قبیل ستون، سرستون و تزئینات معماری کریم خانی آرامگاه سابق بهره برده، در همپایی با شعر در عرصه های خیال انگیز هنر شاعری راه یافته است.





پاریس بازگشت. کتاب هنر ایران آخرین اثر او چند سال قبل از مرگش به چاپ رسید.

با وجود تألیف گذار درباره‌ی معماری و هنر ایران که از سال ۱۳۱۵ ش با عنوان "اثر ایران" آغاز شد تا سال ۱۳۴۱ که کتاب "هنر ایران" را به رشته تحریر درآورد، می‌توان او را در زمره‌ی پیشگامان تولید "ادبیات معماری" در ایران به شمار آورد.

با وجود وسعت مطلب و رابطه‌ی تنگاتنگ و گسترده‌ی معماری حافظیه با شعر حافظ تفسیر و تبیین طرح آرامگاه نیاز به بررسی گسترده و ژرف و ارائه نتایج آن در فرصتی مستقل دارد. محصول این پژوهش با نام «حافظیه و شعر گذار» در مرحله‌ی تدوین است که امیدواریم در آینده در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد. ■

استعاره‌های شعر حافظ و ترجمه‌ی آن‌ها به زبان معماری از نمونه‌های برجسته‌ای است که ارتباطی نغز و درونی از شعر تا معماری پدید آورده و بنایی ماندگار شده است.

آندره گذار که این مقاله به بهانه‌ی انتشار کتابی درباره‌ی معماری او به نام "معماری آندره گذار" نوشته شده است از معماران پیشرو ایران در دهه‌های اول قرن چهاردهم شمسی است. حضور او در ایران با بازدید اتفاقی رضاشاه از شوش و دیدن قلعه‌ی باستان‌شناسی فرانسوی‌ها و اطلاع از قرارداد انحصاری و امتیاز بی‌حدی که به آن‌ها داده شده بود بی‌ارتباط نیست. لغو امتیاز حفاری فرانسوی‌ها و به دنبال آن جایگزین کردن یک فرانسوی - آندره گذار - به سمت مدیر اداری عتیقات در ایران متأثر از این اتفاق بود.

گذار برای چهار دوره‌ی پنج‌ساله به ایران آمد و از سال ۱۳۰۷ کار خود را به‌عنوان باستان‌شناس آغاز کرد. ولی دوره‌ی فعالیت او بیش از سه دهه به طول انجامید و در این مدت او علاوه بر باستان‌شناسی به معماری و تهیه طرح بناهای نوین پرداخت. گذار در این دوره ساختمان‌های مهمی را طراحی کرد؛ مدرسه و دانشگاه، موزه، کتابخانه و آرامگاه.

گذار تا سال ۱۳۳۹ در ایران به فعالیت خود ادامه داد. سپس به